

## نقش و کارکرد سبک قرآنی در بیان دلالت‌ها

مطالعه‌ی موردی سوره‌ی مائده

سیدمهدی مسبوق<sup>۱</sup>

حمید آقاجانی<sup>۲</sup>

مهری قادری بیبک<sup>۳</sup>

### چکیده

سوره‌ی مبارکه‌ی مائده از سوره‌های مدنی است که محتوای آن غالباً در تشریح و تبیین احکام اسلامی است. بنابراین بدیهی است که نسبت به سایر سوره‌ها به‌خصوص، سوره‌های مکی، دارای ویژگی‌های خاصی باشد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از ابزار سبک‌شناسی و روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد ویژگی‌های برجسته‌ی سبک این سوره را مورد مطالعه قرار دهد و کارکرد هر یک از لایه‌های سبکی را در تبیین معنای مورد نظر تبیین نماید تا از این رهگذر کارکرد عناصر سبک‌ساز و ویژگی‌های برجسته‌ی سبک زبانی - بیانی این سوره را نشان دهد. برآیند پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک این سوره خطاب قرار دادن مؤمنان با «نداء» به واسطه‌ی عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است که در این سوره از بسامد بالایی برخوردار است و این امر بیان‌گر رحمت الهی و تکریم مؤمنان است. سبک چینش جملات در این سوره، با مفاد سوره و محتوای تشریحی با جملات کوتاه و طلبی آن همسویی و تناسب دارد. افزون بر این در بسیاری از آیات ترتیب جملات آهنگین بوده و وفور جملات فعلیه باعث پویایی و حیات سبک این سوره شده است. از دیگر ویژگی‌های سبکی این سوره گونه‌های مختلف تکرار و کارکرد شایسته‌ی موسیقی معنوی آن در تبیین معانی آیات است.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌شناسی، سوره‌ی مائده، لایه‌های سبکی، آواشناسی.

\*تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰

smm.basu@yahoo.com

hamid.aghajani@msrt.ir

mehriagheribibak@gmail.com

۱- نویسنده مسئول: استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

۲- عضو هیات علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

۳- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی

## ۱ - مقدمه

بررسی متن قرآن کریم به عنوان یک اثر ادبی برجسته نشان از عظمت بیان الهی داشته که همواره افق‌های جدیدی را فراروی محققان می‌گشاید؛ لذا پژوهشگران حیطه‌های مختلف با تفاوت در زوایای دید، هر کدام گوشه‌ای از این معجزه را مورد مطالعه قرار داده و به نتایجی دست می‌یابند تا بلکه شمه‌ای از اعجاز آن را نمایان کنند.

مطالعات سبک‌شناسی نیز با استفاده از ابزارها و ترفندهای زبانی به مطالعه‌ی آثار ادبی می‌پردازد تا نوآوری‌های آنها را نمایان سازد، تحقیق در زمینه‌ی قرآن کریم با استفاده از این روش باعث نمود بهره‌هایی برای تشنگان معرفت در حیطه‌ی نقد ادبی و علوم قرآنی است. نوشتار حاضر بر آن است که سوره‌ی مائده را به فراخور مجال این مقال، مورد مطالعه قرار داده و کارکردهای سبک‌شناسی را در تعبیر آیات روشن سازد. پرسشی که فراروی نگارندگان قرار دارد این است که مفاد کلی سوره چیست و قرآن کریم با استفاده از چه خصوصیات زبانی به بیان آنها پرداخته است؟ و کارکرد این ویژگی‌ها در تبیین معانی چیست؟

از آنجا که این سوره مدنی است و به مانند دیگر سوره‌های مدنی به تشریح و تبیین احکام اسلامی می‌پردازد، مفروض آن است که سبکی خطابی و امری داشته باشد. همچنین فرض بر آن است که مفاد حقوقی به شکل روشن و بدون آرایه‌های ادبی بیان گردد.

## ۱-۱- پیشینه

درباره‌ی مطالعات پیشین در خصوص سبک‌شناسی سوره‌ی مائده پژوهش‌هایی صورت گرفته که از آن جمله است: *أثر اختلاف الإعراب فی تفسیر القرآن الکریم (دراسة تطبیقیة فی سورة المائده)*، باسل عمر مصطفی المجایده، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در دانشگاه اسلامی غزه. این پژوهش گرچه به یکی از جنبه‌های زبانی سوره مائده - یعنی نحو - می‌پردازد لیکن بیش از اینکه رویکردی ادبی داشته باشد، رویکردی تفسیری داشته و بیشتر روی اختلاف قراءات تأکید دارد. و مقاله *لمسات بلاغیة من التعبير القرآنی سورة المائده أنموذجاً* نوشته حیدر صاحب شاکر، مجله *سرمن‌رأی*، سال ۲۰۱۱م. این مقاله بر جنبه‌های بیانی تأکید دارد و به مانند مورد قبل رویکردی تفسیری-تحلیلی دارد. و پایان‌نامه کارشناسی ارشد *مشترک التضاد فی سورة المائده دراسة تحليلیة دلالیة* نوشته ایلوک زکیه در دانشگاه

اسلامی مولانا مالک ابراهیم در اندونزی. نویسنده در این پژوهش به مقوله‌ی سبک‌شناسی از نوع واژگانی پرداخته و کلمات دارای معنای دوگانه را مورد بررسی قرار داده است. کتابی نیز در دست است با عنوان *سوره المائده دراسة أسلوبیة فقهیة مقارنہ* نوشته ابراهیم عوض. نویسنده در این کتاب پس از معرفی اجمالی سوره‌های مدنی و به‌خصوص سوره‌ی مائده، محتوای این سوره را با کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) مقایسه کرده و به داستان‌ها و احکام و تفاوت آنها پرداخته است. لیکن پژوهش پیش‌رو با تکیه بر داده‌های دانش سبک‌شناسی به دو حیطه‌ی نحوی و آوایی گام نهاده و در حیطه‌ی نحوی به ساختارهای جمله و سبک خطاب پرداخته و در این میان سبک ندا و کارکرد آن در این سوره را تبیین نموده و سپس چینش جملات را با در نظر گرفتن مفاد آنها مورد مطالعه قرار داده است. در حیطه‌ی آوایی نیز به تکرار که از مؤلفه‌های موسیقی داخلی است همت گماشته و سپس موسیقی معنوی را در دو مؤلفه‌ی طباق و مراعات نظیر مورد تحلیل قرار داده و کارکرد هر کدام را در تبیین غرض آیات بیان داشته است.

## ۲- معرفی اجمالی سوره‌ی مائده

این سوره پنجمین سوره قرآن کریم است که دارای ۱۲۰ آیه می‌باشد و در مدینه نازل شده و از آخرین سوره‌هایی است که بر پیامبر نازل شده است. نام دیگر این سوره عقود است. علت نام‌گذاری سوره به این دلیل است که در آیات ۱۱۲ تا ۱۱۵ داستان نزول مائده (سفره غذا)، برای یاران مسیح (ع) ذکر شده است.

این سوره در بر دارنده‌ی یک سلسله از معارف و عقاید اسلامی و یک سلسله از احکام و وظایف دینی است. مهم‌ترین مضامینی که در این سوره ذکر شده‌اند از این قرار است: به مساله ولایت و رهبری بعد از پیامبر (ص) و مساله تثلیث مسیحیان و قسمتی از مسائل مربوط به قیامت و بازخواست از انبیاء در مورد امت هایشان، اشاره شده است. مساله وفای به پیمان‌ها، عدالت اجتماعی، شهادت به عدل و تحریم قتل نفس، داستان فرزندان آدم و قتل هابیل به دست قابیل، توضیح قسمت‌هایی از غذاهای حلال و حرام و قسمتی از احکام وضو و تیمم آمده است. حرمت شراب و قمار در آیه ۹۰ و مطالب مربوط به غدیر خم در آیات ۳ و ۶۷ این سوره آمده است. در پایان نیز به درخواست حضرت مسیح (ع) از خداوند جهت نازل شدن مائده‌ی آسمانی اشاره رفته است.

## ۳- به‌کارگیری اسلوب ندا

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، سوره‌ی مائده از سوره‌های مدنی است، آمدن عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تنها در سوره‌های مدنی آمده است، به‌گونه‌ای که از تعداد هشتاد و نه باری که در قرآن تکرار شده است، همگی در سوره‌های مدنی آمده و کمتر سوره‌ی مدنی از این عبارت خالی است (عوض، ۲۰۰۰: ۷). در این میان تنها در این سوره شانزده مرتبه تکرار شده است. با توجه به ادامه‌ی سیاق این آیات، در ادامه‌ی تمامی این ندها، خداوند متعال مؤمنان را به عملی دستور داده یا از کاری نهی فرموده است.

پیش از این‌که به تحلیل موارد به‌کارگیری این تعبیر در این سوره پردازیم، ابتدا عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را از نظر می‌گذرانیم. در این عبارت «یا» حرف ندا برای مخاطب نزدیک، متوسط و بعید است که مشهورترین حرف نداست. در استفاده از اسلوب منادا در قرآن کریم به هنگام خطاب مؤمنان نوعی تکریم دیده می‌شود، اگر خطاب قرآن نسبت به انسان‌ها را در نظر بگیریم در بسیاری از جاها خداوند، پیامبر (ص) را واسطه قرار می‌دهد (مانند آیاتی که متضمن «قل» هستند) یا این‌که به صورت ضمنی دستور داده است.

بعد از ذکر این حرف ندا خداوند مسلمانان را با عبارت «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطاب قرار می‌دهد. «آنچه که حرف ندا در آن عمل کرده است، لفظ مبهم «أی» است، و اسمی که به تبع آن آمده است، صفت برای آن است، مانند این‌که بگویی: «یا زیدُ الظریفُ» و در این‌گونه تعبیر [آمدن لفظ مبهم و سپس وصف در ادامه‌ی آن] تدرج از ابهام به سوی توضیح است که نوعی تأکید و تشدید است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۹/۱). این تأکید با مدح بندگان به صفت ایمان حاصل شده است و به نوعی تفضیل مسلمانان بر سایر بندگان است. همچنین ذکر این نکته نیز لازم است که در اینجا «أی» با اسم موصول مقید شده است، یعنی اینکه وصفی برای آن است و در چنین موردی مفید تعظیم است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

در مورد چنین خطابی فخر رازی می‌گوید: «از ابن عباس نقل شده است که خداوند در تورات، بندگان را با تعبیر «یا أَيُّهَا الْمَسَاكِينُ» خطاب می‌نمود، و این تعبیر باعث اثبات مسکنت آنان شد، اما مخاطب قرار دادن مسلمانان با صفت ایمان، دلالت بر این دارد که خداوند آنان را از آتش جهنم امان داده است، و همچنین نام «مؤمن» از شریف‌ترین نام‌ها و صفات است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳/۶۳۴).

بنابراین منادا قرار دادن مسلمین، با وصف ایمان نوعی تکریم برای آنان به‌شمار می‌رود و آنچه جلب توجه می‌کند این است که «هر جا مؤمنین با این خطاب و یا با جمله «الذین آمنوا» تعبیر شده‌اند، منظور مؤمنین این امت‌اند، و اما از امت‌های قبل از اسلام به کلمه قوم تعبیر می‌کند، مثل این‌که فرمود قوم نوح او قوم هود «طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۷۰/۱». اهمیت چنین خطابی تا جایی است که صاحب تفسیر نمونه از آن چنین تعبیر می‌کند: «در بیش از ۸۰ مورد از قرآن مجید، این خطاب افتخارآمیز و روح‌پرور دیده می‌شود» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۴۳/۱). در این میان با توجه به این‌که سوره‌ی مائده تنها سوره‌ای است که با این تعبیر آغاز می‌شود، می‌توان گفت، این سوره گرامی‌ترین سوره در خطاب به مؤمنان است و از آغاز آن مشخص است که متضمن احکام و شرایع اسلامی است.

در بررسی موارد استفاده از این خطاب در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده با دستورات الهی مواجه می‌شویم، در بخشی از آیات، دستور صریح و به صورت امر آمده است مانند: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أُوفُوا بِالْعُقُودِ)** (مائده/۱) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمانها و قراردادهای وفا کنید].

در این آیه دستور به رعایت عهد و پیمان‌ها داده است، در آیه‌ای دیگر به وضو امر فرموده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ)** (مائده/۶) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دست‌ها را بشوید].

و در آیه‌ی دیگری دستور به قیام به امر شهادت نموده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ)** (مائده/۸) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید].

سه آیه دیگر نیز با ساختار امری آمده است که با این احتساب از میان شانزده آیه که با خطاب مؤمنین است، شش مورد امر بوده است. در سایر موارد، ساختار ندا برای نهی و زجر بوده است که برخی آیات به صورت صریح با «لا»ی نهی از عملی بازداشته است؛ مانند: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ)** (مائده/۲) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمرید].

و در آیه‌ای دیگر مسلمانان را از دوستی و مودت کسانی که دین را بازیچه قرار می‌دهند و نیز کفار و اهل کتاب پرهیز داده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ)** (مائده/۵۷) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آئین شما را بباد استهزاء و بازی می‌گیرند از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید].

در پنج آیه دیگر نیز مؤمنان را از ارتکاب اعمالی همچون تحریم امور حلال، کشتن صید در حال احرام، پرسش‌های ناروا، و دوستی با اهل کتاب برحذر داشته است.

در یکی از این آیات، نهی به صورت فعل امر از ریشه‌ی اجتناب آمده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)** (مائده/۹۰) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و انصاب و ازلام، پلیدی است که شیطان آنها را درست کرده، پس باید از آن اجتناب کنید]

در واقع گرچه فعل «اجتنبوا» امر است، اما مفاد آن معنای نهی می‌دهد، زیرا افاده‌ی خودداری کردن از اعمالی همچون قمار و شراب‌خواری است.

دو آیه‌ی دیگر که با تعبیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز شده است نیز متضمن معنای نهی است یعنی اینکه با ساختار فعل نهی نیامده بلکه به صورت ضمنی بیان شده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ)** (مائده/۹۴) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید خداوند شما را به مقداری شکار که (به نزدیکی شما می‌آیند و) دستها و نیزه‌های شما به آنها می‌رسد، می‌آزماید، تا معلوم شود چه کسی از خدا به وسیله ایمان به غیب می‌ترسد، و هر کس بعد از آن تجاوز کند مجازات دردناکی خواهد داشت].

در این آیه با استفاده از وعید در جمله **(فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ)** معنای نهی را ارائه داده است که این روش یکی از سبک‌های نهی در قرآن، به‌خصوص در سوره‌های مدنی به شمار می‌رود. همان‌گونه که در آیه‌ی دیگری در این سوره آمده است: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)** (مائده/۵۴) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آئین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی‌رساند) خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران نیرومند و شکست‌ناپذیرند].

در این آیه نیز با اعلان جنگ در عبارت **(فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ...)** (مائده/۵۴) معنای نهی و ردع را رسانده است.

#### ۴- توالی جملات

توالی و درپی هم آمدن جملات، ضرب‌آهنگ خاصی را ایجاد می‌کند که ارتباط مستقیمی با طول جملات دارد، بلند و کوتاه بودن جملات خود دلالت‌هایی نهفته دارد؛ کما این‌که نوع جملات (از لحاظ اسمیه، مضارع یا ماضی) نیز در آهنگ و تأثیر معنایی حائز اهمیت است. آنچه به طور مرتب در آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی مائده می‌بینیم، توالی جملات متعدد در پی هم است، که معانی خاصی در خود نهفته دارد، مثلاً می‌فرماید: (وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ) (مائده/۱۲) [خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از آنها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم و خداوند (به آنها) گفت من با شما هستم، اگر نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض‌الحسنه بدهید (در راه او به نیازمندان کمک کنید) گناهان شما را می‌پوشانم و شما را در باغهای بهشت که نهرها از زیر درختان آن جاری است وارد می‌کنم، اما هر کس بعد از این کافر شود از راه راست منحرف گردیده است.]

در این آیه دوازده جمله فعلیه آمده است که از میان آنها تنها دو فعل مضارع هستند. از آنجا که فعل دلالت بر انجام عملی در ظرف زمان است، استفاده از جملات فعلیه نشان از پویایی کلام است؛ لذا در این آیه می‌بینیم که افعال به صورت تدرجی در پی هم می‌آیند به طوری که از پیمان گرفتن از بنی اسرائیل آغاز می‌شود، سپس بعثت پیامبر برای آنان و تشریح احکام و ذکر وظایف بیان می‌گردد و در ادامه پاداش‌ها در پی می‌آیند و از آنجا که پاداش باید مستمر باشد، از فعل مضارع استفاده شده است تا دلالت بر پیوستگی داشته باشد. همچنین از آنجا که مضمون آیه دستوری و الزام‌آور است، جملات کوتاه بوده گویی که نوعی تفریح و تذکر است.

در آیه‌ی دیگری نیز در بیان دلیل درخواست مائده توسط حواریون، چنین آمده است: (قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَنَطْمِئَنَ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ) (مائده/۱۱۳). [گفتند می‌خواهیم از آن بخوریم و دل‌های ما (به رسالت تو) مطمئن گردد و بدانیم به ما راست گفته‌ای و بر آن گواه باشیم.]

این آیه با وجودی که کوتاه‌تر از آیه پیشین است، از هفت جمله‌ی فعلیه تشکیل شده است که برخلاف قبلی اغلب افعال مضارع هستند. از آنجا که این آیه در بیان سبب درخواست «مائده» است، بدیهی است که افعال مضارع بیایند.

توالی جملات در جای دیگری نیز در این سوره مشهود است، که همانا مقام وعید یا تهدید است: (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (مائده/۳۳) [کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ بر می‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند. این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا دست راست و پای چپ آنها بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند، این رسوائی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات بزرگی دارند].

در این آیه هشت جمله آمده است که شش مورد از آنها فعلیه از نوع مضارع، و دو جمله اسمیه هستند. دو جمله اول به اعمال گناهکاران اشاره دارد و مضارع بودن آنها به استمرار عمل آنان اشاره دارد و چهار جمله‌ی مضارع بعدی به عنوان کیفر و جزای آنان است. کوتاه بودن جملات و مشدد بودن باب آنها (تقتیل، تقطیع و تصلیب) نشان از شدت مجازات آنان است. دو جمله‌ی آخر که با ساختار اسمیه آمده‌اند، از آنجا که جمله‌ی اسمیه بر ثبوت دلالت دارد، به معنای تلازم رسوایی و عذاب بر وجود آنان است. با توجه به این‌که معنای کلی این آیه وعید است، آمدن جملات کوتاه و مجازات‌های پی در پی، هم در آهنگ و هم در معنا با جو کلی آیه تناسب کامل دارد.

در آیه‌ی دیگری نیز همین سبک رعایت شده است: (قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ) (مائده/۶۰). [بگو: آیا شما را از کسانی که جایگاه و پاداششان بدتر از این است با خبر کنم!! کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته و مورد خشم قرار داده (و مسخ کرده) و از آنها میمون‌ها و خوک‌هایی قرار داده و پرستش بت کرده‌اند موقعیت و محل آنها بدتر است و از راه راست گمراه‌ترند.] با این تفاوت که مجازات‌های اینان به صورت جملات ماضی آمده است؛ چون که در اینجا در مقام اخبار است.

## ۵- تکرار

تکرار در یک متن ادبی «باعث بارز شدن و برجسته شدن معنا بوده یا این‌که ادیب برای تأکید و تفصیل و در ادامه ساخته و پرداخته کردن و متبلور کردن معانی به آن روی می‌آورد (شعلال، ۱۹۹۳: ۲۵۲). تکرار در شعر به چند شکل بروز می‌یابد؛ گاهی تکرار در حروف مشاهده می‌شود و گاهی در کلمات و گاهی در عبارات و جملات. شاعران و نویسندگان برای تأثیرگذاری بر مخاطب خود از حروف، کلمات و عبارات مکرر استفاده می‌کنند. «در مورد انگیزه‌های هنری تکرار گفته می‌شود که این امر باعث یک توازن موسیقی در اثر ادبی می‌شود، و این باعث می‌شود آهنگ، تأثیر بیشتری در انگیزش مخاطب و تأثیرگذاری بر روان او داشته باشد» (حسین قاسم، ۲۰۰۱: ۲۱۹).

### ۵-۱- تکرار حرف

حروف در ساختار کلمه و تعیین معنای آن، به‌خصوص در زبان عربی اهمیت شایانی دارند و به همین جهت تکرار یک حرف در کلمه و یا جمله می‌تواند نشان از تأکید شاعر روی معنای خاصی باشد یا حالت خاص روانی شاعر به هنگام سرایش را بیان کند؛ چنان‌که گفته می‌شود: «تکرار حرف گرچه منظم نباشد در کلام عاطفی و زیبایی آفرین، زیباست به شرط آن‌که میان حروف در حدی باشد که ذهن، تکرار را دریابد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۹: ۲۸).

اعجاز قرآن به گونه‌ای تبلور یافته است که می‌بینیم خصوصیات حروف و مقدار تکرار آنها ارتباط عمیقی با مفاهیم و معانی آیات دارند، مثلاً در این سوره، در بیان سرنوشت هابیل و قابیل می‌فرماید: (وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَكَمْ يَتَّقِبَلُ مِنَ الْآخِرِ قَالَ لَأُقْتَلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَّقِبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (مائده/۲۷) [داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان، هنگامی که هر کدام عملی برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند، اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر) گفت: بخدا سوگند تو را خواهم کشت (برادر دیگر) گفت (من چه گناهی دارم زیرا) خدا تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد!]

در این آیه حرف «قاف» ده مرتبه تکرار شده است، و از آنجا که حرف قاف از حروف «انفجاری» خروشنده است، بر شدت امر و تحرک دلالت می‌کند (عباس، ۱۹۹۸: ۱۵۳). و این ویژگی‌ها با مقام سخن که در باب قتل و خصومت‌ورزی است، تناسب دارد. نکته‌ی دیگری که باید در این جا بدان

اشاره نمود این است که با توجه به این‌که حرف قاف یکی از حروف ثقیل در زبان عربی است، اما خوانش آن در این آیه بدان سختی به نظر نمی‌رسد و علت آن، آمدن این حرف در کنار حرف «باء» است که با هشت بار تکرار شدن در لابه‌لای آن، سنگینی حرف «قاف» را متعادل کرده است.

در آیه‌ی دیگری که مسلمانان را از اختلاط با اهل کتاب نهی می‌کند نیز تکرار حروف را مشاهده می‌کنیم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخِذُوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (مائده/۵۱) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را تکیه گاه خود قرار ندهید، آنها تکیه گاه یکدیگرند و کسانی که از شما بانها تکیه کنند از آنها هستند خداوند جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند].

در این آیه، حرف «هَاء» هشت مرتبه تکرار شده است و از آنجا که این حرف «به حکم صدای هوایی که از جوف دهان خارج می‌شود، بر اضطراب، و تشویش دلالت می‌کند» (عباس، ۱۹۹۸: ۲۸) می‌توان این نتیجه را گرفت که ولایت و هم‌پیمانی با اهل کتاب، سست و بی‌پایه است.

## ۵-۲- تکرار کلمه

بی‌شک تکرار لفظ در سیاق بیان قرآنی دارای دلالت‌های خاصی است که با دقت در این امر می‌توان به گوشه‌ای از اسرار تعبیر قرآنی پی برد. در آیه‌ی نوزدهم سوره مائده می‌فرماید: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) [ای اهل کتاب! رسول ما به سوی شما آمد در حالی که بدنبال فترت میان پیامبران، حقایق را برای شما بیان می‌کند مبادا (روز قیامت بگوئید نه بشارت دهنده ای به سوی ما آمد، و نه بیم دهنده ای، (هم اکنون پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده به سوی شما آمد و خداوند بر همه چیز توانا است].

در این آیه، تکرار دو کلمه «بشیر و نذیر» برای تأکید بر وجود مبارک پیامبر(ص) از یک جهت، و از سویی دیگر برای بیان اتمام حجت الهی بر کافران است؛ لذا قرآن کریم، با عدول از اضممار و تکرار صفات بارز ایشان در بدو رسالت، حجت را بر آنان تمام و بر پیروی از اسلام ملزم فرمود.

در جایی دیگر برای نکوهش کافران از تکرار صفت مبالغه‌بهره گرفته می‌شود: (وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ) (مائده/۴۱). [و از یهودیان (که این راه را می‌پیمایند) آنها

زیاد به سخنان تو گوش می‌دهند تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آنها جاسوسان جمعیت دیگری هستند.]

در این آیه تکرار «سماعون» برای ذم و نکوهش یهودیان است و تأکید بر نیرنگ و توطئه‌ی آنان است. در آیه‌ی دیگری نیز شاهد تکرار برای نکوهش هستیم. در آنجا که می‌فرماید: (وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ) (مائده/۷۷). [از هوس‌های اقوامی که پیش از شما گمراه شدند و بسیاری را نیز گمراه کردند و از راه مستقیم منحرف گشتند، پیروی نکنید.] سه مرتبه تکرار افعال مشتق از ریشه‌ی «ضلالت» بر شدت گمراهی کسانی دلالت می‌کند که از پیروی کردن از آنها نهی شده است.

در آیه‌ای که به حضرت عیسی (ع) و معجزات وی اشاره می‌رود نیز استفاده‌ی جالبی از تکرار شده است: (وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي) (مائده/۱۱۰). [و هنگامی که به فرمان من از گل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به فرمان من پرنده‌ای می‌شد و کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پستی را به فرمان من شفا می‌دادی، و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی.] چهار مرتبه تکرار عبارت «بِإِذْنِي» در این آیه تأکید بر نقش تکوینی خداوند در اراده‌ی حضرت عیسی (ع) در بروز معجزات است. همان‌گونه که در آیه‌ای دیگر نیز با تکرار الفاظ مشتق از ریشه‌ی «علم» تأکیدی بر علم مطلق خداوند متعال است؛ آنجا که حضرت عیسی (ع) در جواب الهی چنین می‌فرماید: (إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ) (مائده/۱۱۶). [اگر چنین سخنی را گفته باشم تو می‌دانی، تو از آنچه در روح و جان من است آگاهی و من از آنچه در ذات (پاک) تو است آگاه نیستم، زیرا تو با خبر از تمام اسرار و پنهانی‌ها هستی.]

یکی از جنبه‌های تکرار در آیات سوره‌ی مائده، تکرار لفظ جلاله است که می‌بینیم در برخی آیات به طور مکرر ذکر می‌شود مانند فقره‌های پایانی آیات: (وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (مائده/۲)، (وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (مائده/۸) و (وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (مائده/۴).

در این سه مقطع دو جمله در پی هم می‌آیند، که اولی طلبی از نوع امر و دومی خبری از نوع اسمیه است. در هر کدام از آیات لفظ جلاله دو بار تکرار شده است که این امر علاوه بر تأثیر عام

موسیقایی غرض بلاغی خاصی دارد؛ بدین گونه که در جمله اول از مؤمنان خواسته شده که تقوای الهی پیشه کنند و با وجود ذکر لفظ جلاله برای بیان عظمت خداوند و وجوب اطاعت باری تعالی، در ابتدای جمله بعدی نیز لفظ جلاله تکرار شده است و از حالت إضمار، که اقتضا می‌کرد جمله با «إنه» شروع شود، عدول کرده و این به جهت تهویل است، به‌خصوص این که جمله‌ی اسمیه، متضمن وعید است و اسمیه بودن آن دلالت بر ثبوت دارد و مقید به زمان نیز نمی‌باشد.

### ۵-۳- تکرار طلب

جملات در زبان عربی یا خبر است یا انشاء و در این موضوع تمامی اهل لغت اتفاق نظر دارند (سیوطی، ۱۹۷۴: ۲۵۶/۳). از آنجا که سوره مائده از سوره‌های مدنی بوده و اغلب آیات آن در بیان تشریح و احکام است، این امر اقتضا می‌کند، بیشتر جملات و تعبیرات حالت انشائی و به‌خصوص طلبی از نوع امر و نهی باشد، در برخی از آیات شاهد هستیم که این جملات به صورت مکرر آمده است، به عنوان مثال آنجا که می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ) (مائده/۶) [ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا مفصل مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشویید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده یا با زنان تماس گرفته باشید و آب نیابید با خاک پاکی تیمم کنید و از آن بر صورت (پیشانی) و دست‌ها بکشید].

از آنجا که این آیه در صدد بیان کیفیت وضو است، لازم بوده که جزئیات این عمل به صورت جمله‌های امری بیان شود، لذا مشاهده می‌شود، پنج بار از فعل امر استفاده شده است. شبیه همین ساختار در آیه‌ی دیگری مشاهده می‌شود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) (مائده/۸). [ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از خدا پرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید آگاه است].

این آیه نیز از آنجایی که متضمن دستوراتی اخلاقی و حقوقی است مشتمل بر چهار جمله‌ی طلبی است که سه مورد از آنها امر و یک مورد نهی است. در آیه‌ی دیگری که بر اطاعت از اوامر الهی دلالت دارد نیز چهار فعل امر آمده است: (وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ) (مائده/۹۲) [و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و (از مخالفت فرمان او) بترسید، و اگر روی برگردانید (و مخالفت نمایید مستحق مجازات خواهید بود) و بدانید بر پیامبر ما جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست.]

## ۶- موسیقی معنوی

موسیقی معنوی یکی دیگر از اجزای موسیقی در شعر است؛ چنان‌که شفیعی کدکنی می‌گوید: «وقتی بتوان مفهوم موسیقی را به حوزه‌ی هر نوع تناظر و تقارن و نسبت فاضلی گسترش داد، در چنین چشم‌اندازی امور ذهنی و تداعی‌ها و خاطره‌ها (مفاهیم انتزاعی و تجریدی) نیز می‌توانند از موسیقی برخوردار باشند و ما به ضرورت بحث، این‌گونه تناظرها و تقابل‌ها و تقارن‌های ذهنی و تجریدی را می‌توانیم موسیقی معنوی نامگذاری کنیم (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۹۶). به این ترتیب تعریف موسیقی در اصوات گرچه لازم است ولی کافی نیست. از این رو منتقدان این فن به وجود نوعی موسیقی در برخی آرایه‌های معنوی موجود در اشعار پی برده‌اند که با پرداختن به آن بابتی جداگانه در بررسی‌های آواشناسی گشوده می‌شود.

شفیعی کدکنی در جای دیگری در تبیین اهمیت موسیقی معنوی می‌گوید: «همان‌گونه که تقارن‌ها و تضادها و تشابهات در حوزه‌ی آواهای زبان، موسیقی اصوات را پدید می‌آورد، همین تقارن‌ها و تشابهات و تضادها در حوزه‌ی امور معنایی و ذهنی، موسیقی معنوی را سامان می‌بخشد؛ بنابراین همه ارتباط‌های پنهانی عناصر یک بیت یا یک مصراع و از سوی دیگر همه‌ی عناصر معنوی یک واحد هنری، اجزای موسیقی آن اثرند و از جمله جلوه‌های آن، بخشی از صنایع بدیعی از قبیل تضاد یا طباق، ایهام و مراعات‌نظیر هستند که از معروف‌ترین این نمونه‌ها است (همان: ۲۹۲-۲۹۳). به این ترتیب نوعی رابطه و تناسب و هماهنگی میان کلمات در حوزه‌ی معنا شکل می‌گیرد که از آن به عنوان موسیقی معنوی یاد می‌شود. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از طباق و مراعات‌نظیر که از آرایه‌های معنوی به شمار می‌روند می‌پردازیم و کارکرد سبکی آن در سوره مائده را تبیین خواهیم نمود.

## ۶-۱- طباق

تضاد که طباق یا مطابقه نیز خوانده می‌شود، یکی از پیوندهای معنایی میان کلمات و از عناصر مهم تقویت موسیقی معنوی است که بر اساس آن، دو کلمه‌ی متضاد یا متفاوت را در یک عبارت به کار می‌برند و در تعریف آن گفته‌اند: «الجمع بین الشیء و ضده» (ابو هلال العسکری، ۱۹۸۴: ۳۳۹).

این آرایه از بسامد بالایی سوره مائده برخوردار است. چنان‌که در آیه‌ی پانزدهم این سوره می‌فرماید: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ) (مائده/۱۵) [ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمد و بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان کردید روشن می‌سازد].

در این آیه بین کلمات «بیین» و «تخفون» طباق وجود دارد، غرض از آمدن این طباق ایجاد تقارن و نشان دادن فاصله‌ی بعید بین راه حق یا همان دین الهی و راهی است که اهل کتاب در پیش گرفته و مردم را منحرف می‌ساختند. افزون بر این تعبیر متضاد نشان از این دارد که دین حق به علت ثبات حقیقی آن از آشکار شدن آموزه‌ها باکی ندارد، ولی در مقابل عقیده‌ی سست اهل باطل، متولیان آن را وامی‌دارد تا حقایق را بیوشانند تا به سلطه‌ی خویش بر نادانان ادامه دهند.

در آیه‌ی دیگر نیز از آرایه بدین‌گونه استفاده شده است: (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ) (مائده/۱۶) [خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت هدایت می‌کند، و از تاریکی‌ها - به فرمان خود - به سوی روشنایی می‌برد]. در این آیه بین واژگان «ظلمات» و «نور» مطابقه وجود دارد، در اینجا نیز به مانند مثال پیشین نشان‌دهنده‌ی اختلاف راه راستین و گمراهی است. در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: (قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنُذْخِلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ) (مائده/۲۲) [گفتند ای موسی در آن (سرزمین) جمعیتی ستمگرند و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آنها خارج شوند، اگر آنها از آن خارج شوند ما وارد خواهیم شد!]

این آیه می‌خواهد ترسویی بنی اسرائیل را بیان کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷: ۴/۴۳۱). بنابراین آنان از ورود به سرزمین موعود سرباز می‌زنند، و در تعارضی روحی بین «دخول» و «خروج» قرار می‌گیرند که با تکرار این طباق در این آیه، مشهود است. کما این‌که در آیه‌ی دیگری نیز با استفاده از طباق این سستی اراده‌ی آنان به تصویر کشیده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: (قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنُذْخِلُهَا أَبَدًا

مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (مائده/۲۴). [گفتند ای موسی تا آنها در آنجا هستند ما هرگز وارد آن نخواهیم شد، تو و پروردگارت بروید و (با آنان) جنگ کنید، ما همینجا نشسته‌ایم!] در این آیه کریمه، طباق بین «قتال» و «قعود» است، ناگفته پیداست که منظور از «قعود» در اینجا، بازنشستن از جنگ و کارزار است.

در آیه‌ای دیگر در این سوره برای رد ادعای نابجای یهودیان نیز از طباق استفاده شده است: (وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ) (مائده/۶۴) [و یهود گفتند دست خدا به زنجیر بسته است!؛ دست‌هایشان بسته باد و به خاطر این سخن از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او گشاده است هرگونه بخواهد می‌بخشد.] در نفی این زعم یهود که خدا را در برابر خود دست بسته می‌دانستند، طباق بین واژگان «مغلوله» و «مبسوطه» آمده است. در همین آیه ناکارآمدی تلاش کافران در برابر اراده‌ی الهی را با طباق بیان می‌کند: (كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ) (مائده/۶۴). [هر زمان آتشی برای جنگ افروختند، خداوند آن را خاموش کرد.] در اینجا بین فعل‌های «أوقدوا» و «أطفأ» طباق وجود دارد.

در آیه‌ی دیگر قرآن کریم برای تخطئه‌ی بت‌هایی که مشرکان پرستش می‌کنند با استفاده از آرایه‌ی طباق هرگونه اعمال اثری را از آنها سلب کرده و می‌فرماید: (قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا) (مائده/۷۶). [بگو آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه مالک زیان و نه سود شماسست.] در این آیه با سلب سود و ضرر از سوی بت‌ها به طور کلی تأثیر آنها را بر زندگی انسان‌ها نفی نموده است. در آیه‌ی دیگری نیز در این سوره برای بیان تفاوت فراوان بین انسان‌های پاک و پلید، از استفهام همراه با طباق بهره برده است: (قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ) (مائده/۱۰۰) [بگو (هیچگاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند].

## ۶-۲- مراعات نظیر

مراعات نظیر که آن را تناسب، توفیق، ائتلاف و تلفیق نیز می‌گویند، چنین است که بین امور متناسبی که با هم تضاد نداشته باشند، جمع شود (ناشر، ۱۳۷۹: ۲۴۵-۲۴۶). از آنجا که به هم‌سنخ و هم‌نوع آمدن الفاظ در شعر یا نثر، مراعات نظیر اطلاق می‌شود، این هم‌سنخی باعث ایجاد وحدت و تناسب و در پی آن ایجاد موسیقی در کلام می‌شود. «از آنجا که روح اثر هنری بر تناسب و تقارن

استوار است، دریافتِ درست و به کارداشتِ مراعات‌نظیر در آرایش سخن، اهمیت و ارزش ویژه‌ای دارد» (محبّتی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

به کار بردن آرایه‌ی مراعات‌نظیر در سوره‌ی مائده غالباً برای بیان شمولیت یک حکم یا برای احاطه به تمامی جوانب یک موضوع است؛ و این امر فراتر از ایجاد توازن یا تقارن بدیعی است، مثلاً در آیه‌ی ۶۸ می‌فرماید: **«وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا»** و این آیات که بر تو از طرف پروردگارت نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. [در این آیه دو لفظ «طغیان» و «کفر» در یک دایره‌ی معنایی قرار می‌گیرند و از این جهت آرایه‌ی مراعات‌نظیر بین آنها جاری است. دلالت آمدن این دو لفظ، استمرار اهل کتاب در نافرمانی از اوامر الهی و شدت لجاجت آنها است، به-طوری که آنچه که مایه‌ی هدایت بشریت است برای آنان باعث طغیان و کفر می‌شود. قرآن کریم با ذکر این دو صفت در کنار هم، کمال گمراهی آنان را بیان نموده است.

در آیه‌ای دیگر با استفاده از این آرایه، اهل کتاب را برشمرده است: **«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»** (مائده/۶۹). [کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و یهود و نصاری و صابئان آنها که ایمان به خدا و روز رستاخیز آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند هیچگونه ترس و غمی برای آنها نیست] در اینجا مراد شمول اهل کتاب و اشاره به ریشه‌ی الهی ادیان مورد نظر است.

در آیه‌ای دیگر نیز با آرایه‌ی مراعات‌نظیر انواع مواجهه‌های اهل کتاب با پیامبران را نشان داده است: **«كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ»** (مائده/۷۰) [هر زمان پیامبری بر خلاف هوس‌ها و تمایلات آنها می‌آمد عده‌ای را تکذیب می‌کردند و جمعی را می‌کشتند]. با توجه به این که منکران پیامبران، در رویارویی با فرستادگان الهی به دو عمل دست می‌یازیدند، می‌توان گفت «تکذیب» و «قتل» در قاموس آن در یک سیاق می‌گنجد؛ لذا قرآن کریم، حربه‌های آنان را باهم ذکر نموده است. همچنین در واکنش آنها نسبت به فهم رسالت الهی نیز دو حالت دارند که در این آیه آمده است: **«وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا»** (مائده/۷۱). [و گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود لذا (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق) ناپینا و کر شدند]. کوری و کری دو حالتی است که دامن‌گیر منکران می‌شود و بین این دو حالت از آن رو که قدرت درک و شناخت حقیقت را از آنان می‌گیرد تناسب وجود دارد.

## نتیجه

از آنجا که سوره‌ی مائده مدنی بوده و متضمن آیات احکام است، سبک و سیاق کلام در آن متناسب با چنین سخنانی است؛ لذا آیات سوره تا حد زیادی روشن و فاقد غموض است؛ به طوری که نسبت به سایر سوره‌ها به‌خصوص سوره‌های مکی، از استعاره و کنایات کمتری برخوردار است و این اقتضای زبان تشریح است، زیرا سخن باید به صورت سره و فاقد پیچیدگی‌های ادبی باشد، لذا جز در اندک مواردی شاهد استعاره، مجاز، کنایه و تشبیه نیستیم.

سبک خطابی و دستوری سوره ایجاب می‌کند که غالباً جملاتی متوالی به صورت امری بیاید تا احکام را تبیین نماید و حدود آن را تعیین کند.

جملات کوتاه و فعلیه و پویایی و ضرب‌آهنگ آنها نشان از شدت عزم بر التزام به دستورات توسط مسلمانان دارد. حالت خطابی و دستوری، متناسب با خصوصیت تشریح آیات این سوره است.

تکرار یکی از ویژگی‌های سبکی بارز در این سوره است، تکرار همواره بیان‌گر نکاتی نگز بوده است، به طوری که تکرار حروف در آیاتی خاص متناسب با فضای سوره بوده و معنای آن را تاکید می‌کند. موسیقی معنوی آیات قرآن در دو آرایه‌ی طباق و مراعات‌نظیر به وفور یافت می‌شود که در هر کدام از مثال‌های پیش‌گفته قصد خاصی مورد نظر بوده است.

به‌کار بردن آرایه‌های بدیعی در سوره‌ی مائده تنها جنبه‌ی موسیقایی ندارد، بلکه به خودی خود، دربردارنده‌ی دلالت‌های روشنی است که به مراتب فراتر از یک فن ادبی برای تزیین سخن است.

## منابع

### - قرآن کریم.

۱. أبو هلال العسكري، حسن بن عبدالله (۱۹۸۴)، *الصناعتین*، تحقیق مفید قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. حسین قاسم، عدنان (۲۰۰۱م)، *الاتجاه الأسلوبی النبوی فی نقد الشعر العربی*، القاہرہ: الدار العربیہ للنشر والتوزیع.
۳. الزمخشری، جارالله أبو القاسم (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الکتب العربی.
۴. زکیه، ایلوک (۲۰۱۰م)، *مشترک التضاد فی سورة المائدة دراسة تحليلية دلالية*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اسلامی مولانا مالک ابراهیم مالانج.
۵. السیوطی، جلال‌الدین (۱۹۷۴م)، *الإتقان فی علوم القرآن*، المحقق محمد أبو الفضل ابراهیم، القاہرہ: الهيئہ المصریہ العامہ للکتاب.
۶. شاکر، حیدر صاحب (۲۰۱۱م) *لمسات بلاغیة من التعبير القرآنی سورة المائدة أنموذجاً*، مجله سرّ من رأی، دانشگاه سامراء، سال هفتم، شماره ۲۴.
۷. شعلال، رشید (۱۹۹۳م) *النبیة الایقاعیة فی شعر أبی تمام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الجزائر، دانشگاه عنابه.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، *موسیقی شعر*، چاپ هشتم، تهران: آگاه.
۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. عباس، حسن (۱۹۹۸م)، *خصائص الحروف العربیة ومعانیها*، دمشق: منشورات اتحاد کتاب العرب.
۱۱. عوض، ابراهیم (۲۰۰۰م)، *سورة المائدة دراسة أسلوبیة فقهیة مقارنّة*، القاہرہ: مکتبه زهراء الشرق.
۱۲. فخر الرازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. محبتی، مهدی (۱۳۸۰ش). *بديع نوهنر ساخت و آرایش سخن*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
۱۴. مصطفی‌المجایده، باسل عمر (۲۰۰۹م)، *أثر اختلاف الإعراب فی تفسیر القرآن الکریم (دراسة تطبیقیة فی سورة المائدة)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فلسطین: دانشگاه اسلامی غزه.
۱۵. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، *تفسیر نمونه*، چاپ ۳۶، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۹)، *بديع از دیدگاه زیباشناسی*، تهران: انتشارات دوستان.
۱۷. هاشمی، احمد (۱۳۸۹ش)، *جواهر البلاغه*، ترجمه و شرح حسن عرفان، چاپ دهم، قم: چاپ قدس.

**The Role and Function  
of Qur'anic Style in Expressing Implications  
A Case Study of Surah Al-Ma'idah<sup>1</sup>**

**Seyyed Mehdi Masboogh<sup>2</sup>**

**Hamid Aghajani<sup>3</sup>**

**Mehri Ghaderi Bibak<sup>4</sup>**

Sura Al-Ma'idah is one of the Medinan surahs that is chiefly devoted to explaining and explicating Islamic law. Naturally, one expects that this surah, as compared with other surahs, especially Meccan ones, has distinguishing characteristics. The present research, utilizing stylistic tools and a descriptive-analytical method, tries to study prominent stylistic features of this surah and to explicate the function of each stylistic layer in explaining the intended meaning so that it may show the role of style-creating elements and the important linguistic-rhetorical style of this surah. The findings indicate that one of the most important stylistic features of this surah is addressing the believers using interjections by means of the phrase "O those who believe", which is highly frequent in this surah. This fact signifies the divine mercy and the dignifying of the believers. The style of the order of sentences in this surah is in line and proportionate with its content as well as with the use of short and demand-related sentences to state Islamic laws. Moreover, in many ayahs the arrangement of sentences enjoys rhythm and the high frequency of verbal sentences has made the style of this surah dynamic and vivid. Other stylistic features of this surah are the existence of different forms of repetition, and the proper use of its spiritual musicality in explicating the meanings of ayahs.

**Keywords:** stylistics, Surah Al-Ma'idah, stylistic layers, phonetics

---

1. Date Received: January 12, 2020; Date Accepted: June 19, 2020

2. Corresponding Author: Professor of Arabic Language and Literature, Bu Ali Sina University; Email: [smm.basu@yahoo.com](mailto:smm.basu@yahoo.com)

3. Faculty Member of Iranian Ministry of Sciences, Research, and Technology; Email: [hamid.aghajani@msrt.ir](mailto:hamid.aghajani@msrt.ir)

4. PhD in Arabic Language and Literature; Email: [mehrihaderibibak@gmail.com](mailto:mehrihaderibibak@gmail.com)